

دربارهٔ اسلام و علم

(۲)

اصل موضوع بفرانسه از : سید جمال الدین اسدآبادی
 مقدمه و ترجمه به عربی از : دکتر محمد حمید الله حیدر آبادی
 پاورقی به عربی از : حاج عباسعلی واعظ چرندابی
 ترجمهٔ فارسی و پاورقی از : سید هادی خسرو شاهی

سخنرانی (رنان) را عده‌ای از دانشمندان از قبیل «جمال الدین افغانی»
 «وناسق کمال بک» و «بایزید اوف» (امام مسجد جامع لنینگراد و «استاد ماسینیون»
 جواب داده و رد کرده‌اند .

بنظر استاد «ماسینیون» (۱) نویسنده این نامه قاضی مجهول «موصل» نبوده
 بلکه بنا بدلائل زیر خود رنان نویسندهٔ آنست

۱ - ماسینیون در سال ۱۸۸۳ م متولد شده بیوگرافی او را در کتاب المستشرقون
 ۲۷ ط ۲ مصر ص ۹۸ مطالعه نمایند (چرندابی) «لوئی ماسینیون» استاد کلژ دو فرانس
 در پاریس بوده و از اعضاء هیئت نویسنده «انسیکلوپدی اسلامی» میباشد (ایسن
 دائرة المعارف بفرانسه نوشته شده و سپس بزبانهای دیگر از جمله عربی ترجمه شده
 و متاسفانه فقط قسمتی از اول آن چند سال قبل بفارسی درآمده است) . «ماسینیون تالیفات
 زیادی دارد که از آن جمله است «منصور حلاج وقوس سرگذشت او» اول روحانی
 ایران در اسلام (رساله‌ای است در شرح حال سلمان فارسی) و «سالنامه جهان اسلام»
 و البته ماسینیون علاوه بر این تالیفاتی که دارد چند جلد از کتابهای فلسفی و عرفانی
 شرقی و اسلامی را تصحیح و چاپ نموده است .

نکته‌ای که با کمال تاسف باید بآن اشاره کرد این است که در کتاب اخیر
 ایشان که بنام جهان اسلام منتشر شده اشتباهات عدیدی یاسهوی زیادی دربارهٔ آمارهای

۱ - طرز خطاب «ای گوسفند من» در مخاطبه های دوستانه . نه در زبان غربی و نه در ترکی و نه فرانسه معمول نبوده و استعمال نمیشود . و قاضی «موصل» میبایستی نامه خود را یا بهتر کی بنویسند یا بر بی، رنان «با جمله ای گوسفند من» خواسته است که در عبارت نامه و مکتوب افسانه ای نوعی غیر عادی بودن را بسکار ببرد تا شونده یا خواننده فرانسوی خیال کند که این سبک از روشهای (نامه نگاری) مردم شرق است .

۲ - اسم این (قاضی) را نمیدانیم و راهی هم برای شناخت صحت و درستی این نامه نداریم اما ما وقتیکه کتابهای مورخ انگلیسی (لایارد) را میخوانیم یادداشتهای سفر «موصل» را در آن میبینیم که در قسمتی از آن اسم قاضی موصل را برده و مینویسد که او یک مرد شدید التعمص و بد اخلاق و بد نام بود و با من هم با بدترین وضع معامله کرد اما نامه ای که «رنان» از قاضی نقل میکند پس از مدارا و خوش رفتاری و تعارفات دوستانه است و بنابراین توافقی بین این دو وجود ندارد .

۳ - قاضی به ستاره دنباله دار (هالی) (۲) که مدتی پیش از کنفرانس «رنان» کشف شده بود اشاره مینماید و اگر قاضی از مردم نادان بوده که اعتنا و توجهی بکشف اسرار خلقت خدا ندارد (چنانکه رنان در نامه ادعائی نقل میکند از کجا و چگونه از تازه ترین اکتشافات علم هیئت آن عصر مطلع بود ؟

مربوط با وضع اسلام و مسلمین موجود است که قسمتی از آنها در کتاب اول سالنامه مکتب تشیع چاپ قم ص ۸۸ بعد اشاره شده است - مساسینون در اوائل سال ۱۳۱۸ شمسی و همچنین در اوائل ۱۳۳۳ شمسی (برای شرکت در جشن هزاره ابن سینا) بایران هم آمده است (خسروشاهی)

۲ فیلسوف آمریکایی «کرنیلیوس فنڈلیک» (۱۸۱۸ - ۱۸۹۵ میلادی) در کتاب نفیس خود «اصول علم هیئت صفحه ۲۱۴ ط بیروت مینویسد و از این اجرام سماوی یکی هم ستاره دنباله دار «هالی» نامیده میشود برای اینکه استاد «هالی» مدار آنرا حساب کرده و وقت رجوع آنرا خبر داد و مطابق حساب او ستاره دنباله دار رجوع کرد ستاره دنباله دار «هالی» در سال ۱۳۰۵ م پیدا شد و آنرا ستاره هولناک نامیدند و در سال ۱۴۵۶ م دنباله او در افق سمت سر ممتد شد و «پاپ» امر کرد که در تمام کلیساها هر روز دعای مخصوص بخوانند تا خدایاریا از شر این ستاره نجات بخشد . وقتیکه در سال ۱۶۸۲ م نیز دیده شد طول دنباله آن ۳۰ درجه بود و در سال ۱۷۵۹ م فقط بوسیله دوربین دیده شد و هنگامیکه در سال ۱۸۳۵ میلادی رجوع کرد طول دنباله آن فقط ۱۲ درجه بود (چرندابی)

۴ - تناسب و تعادل ادبی میان هر يك از عبارات و قسمتهای چهارگانه در مکتوب قاضی صفری و کبری و نتیجه منطقی . . . همه اینها از يك ادیب جلیل القدر و نویسنده توانایی مثل «رنان» ساخته است (و نیازمند بهمچو آدمی است) نه از يك فردی که نادان بوده و یا ادیب و نویسنده نبوده است .

۵ - در عبارت نامه (علاوه بر تعارفات و خوشرفتاری) يك نوع مسخره و استهزاء پیچیده و عمیقی دیده میشود که از میزات سبک معروف نگارش رنان است و رنان خواسته که آن روز با مستمعین و مخاطبین خود از ماوراء ماسک استادی که آنرا بخود میپوشید شوخی و مزاح کند یعنی بر طبق روش «هیریهیه» (یکی از ادبای نامی فرانسه است) که در داستانهای خود بر رفتار زنده معاشرتهای زمان خود اشاره‌های پرمعنی و کنایه‌های توداری میکند عمل کرده باشد .

اینها خرده‌ها و نکته‌هایی است که «ماسینیون» گفته است ولی شما ابرادشتم را بر آن اضافه کنید .

۶ - آیا باور کردنی و سزاوار است که مسلمان شديداً التمسب بگوید «آیا چشمان تو که هر چیزی را که در اطراف تو است و در تجسس آنست همه آنهارا بهشت می بیند؟» آیا در این عبارت کنایه و اشاره بر انکار بهشت وجود ندارد؟

و چنانچه بزودی بیان میکنیم ما می بینیم که رنان تنها باین جعل و دروغ پردازی اکتفا ننموده و قناعت نکرده بلکه با آنچه که انجام آن از این هم شنبع تر و قبیح تر و ننگین تر بود اقدام کرد .

برای اینکه «جمال الدین» در آن وقتیکه در «پاریس» بود هنگامیکه متن سخنرانی رنان در روزنامه ژورنال دپیه ۵ پیا مورخه ۳۰ مارس ۱۸۸۳ م ص ۲ ستون ۶ و ص ۲ ستون ۵ خواند مکتوبی بصاحب روزنامه فرستاد که آن مکتوب قبل از ۱۸ مای همان سال چاپ نشد و وقتیکه مکتوب وی منتشر شد نویسنده روزنامه برای توضیح نوشته بود خوانندگان ما بیاد دارند که آقای رنان چندی پیش در سوربون کنفرانسی درباره دین اسلام و علم داد که پیروزی و موفقیت بزرگی بدست آورد و ما اولین کسی بودیم که متن این سخنرانی را منتشر کردیم .

شیخ جمال الدین افغانی برای ما نامه‌ای در این باره بزبان عربی فرستاده که شامل بعضی از مساملی است که در موقع مطالعه متن آن سخنرانی بذهنش آمده است و ما اکنون صحیح ترین ترجمه این نامه را برای استفاده خوانندگان خود درج میکنیم .

متأسفانه اکنون این روزنامه منتشر نمیشود و کوچکترین اثری هم از آثار اداره آن باقی نمانده است و بنابراین پیدا کردن اصل عربی این نامه نیز امکان پذیر نیست و برای

ما جز اینکه از نقطه نظر (درایه) و «ادبی» موضوع نامه را که آیا اصالتی دارد و با اینکه همانند نامه قاضی موصل جملی است مورد تجزیه و تحلیل و بحث قرار دهیم راهی نیست و بنظر ما البته بدلایلی در جواب جمال الدین نیز از طرف مترجم نامه که در اداره روزنامه بوده و شاید خود رنان باشد. وی از نویسندگان و کارمندان آن روزنامه بوده که تحریفات و دستبردهای شده است.

۱ - موضوع سخنرانی رنان در اواخر ماه مارس منتشر شد و جواب هم تقریباً پس از دو ماه چاپ شده و ما فکر نمیکنیم که مرد مجاهدی مانند جمال الدین برای تهیه جواب آن این مدت را سکوت کرده باشد.

۲ - شاید جمال الدین جواب نامه را در مدت يك هفته «تقریباً» نوشته باشد زیرا که سید با زبان فرانسه آشنا بود ولی وقتی متن سخنرانی را بلافاصله بعد از چاپ خوانده باشد شاید برای نوشتن جواب از بعضی از دوستان خود خواسته باشد که متن سخنرانی رنان را درست و با کمال دقت برای او ترجمه کند و این کار هم بیش از یکی دو روز وقت لازم نداشت.

۳ - میتوان گفت رنان که مستشرق بود عربی میدانست و جمال الدین هم نامه و جواب را برای همین علت بعربی نوشت و غرض اصلی او این بود که رنان که دوست جمال الدین بود و قبل از این جریان هم چنانکه خود رنان متذکر شده است باهم دیگر آشنائی داشته اند از آن مسائل مطلع شود.

و قتیکه نویسنده روزنامه جمال الدین را به رنان رسانیدوی طبعاً منتظر نشر آن شد تا اینکه سرانجام از نشر جواب مایوس گشت جمال الدین اگر نامه خود را در روزنامه میخواند و می دید که تحریف شده مسلماً عکس العملی نشان داده و اعتراض میکرد (۱) و البته در وهله اول نشر جواب را بعلت عربی بودن آن رد نکردند و الا برای جمال الدین مقدور بود که نامه خود را بفرانسه بنویسد.

و قتیکه قبل و قال مردم درباره این کنفرانس تمام شد رنان نامه جمال الدین را منتشر ساخت و بنظر ما جمال الدین دیگر از آن مطلع نشد و تازه معلوم نیست که اگر

۱ - این احتمال قوی تر است که سید جمال الدین اصولاً از موضوع جواب به نامه او و تحریف متن نامه وی مطلع نشده است زیرا هرگز معقول نیست که وی تحریفات زننده و فاحش را به بیند و عکس العملی نشان ندهد و اصولاً ممکن است که بعد از این فاصله که بین درج موضوع سخنرانی رنان و جواب سید مسافر تی برای سید پیش آمده و از پاریس رفته باشد (خسروشاهی)

مطلع شد و به تحریقاتی که مدیر روزنامه در نامه او نموده بود اعتراض کرد. صاحب روزنامه به جواب و اعتراض سید ترتیب اثر داد یا نه؟ و در هر صورت جمال الدین دیگر بیش از آن نمیتوانست کاری بکند و علاوه کارهای بزرگ و مهم دیگر داشت که از اقدام باین کار لازم تر و ضروری تر بودند

۴ - جمال الدین که در تمام دوره زندگی خود از مجاهدین و مدافعین سرسخت اسلام بود و افکار و تالیفات او در سراسر روی زمین در دسترس عمومی است آیا برای او سزاوار است (چنانکه در نامه منتشره او در روزنامه ژورنال دیه دیبا دیده میشود) بگوید (۱)

الف - مردمیکه دین اسلام را بزور و یا برغبت قبول کردند
ب - اعتقاد بوجود حق تعالی از سنگین ترین اعمال بر انسان و از بزرگترین اهانتها بر او است

ج اگر صحیح باشد که دین اسلام مانع نهضت و رفورم است آیا کسی میتواند ادعا کند که این مانع بهیچوجه از بین نخواهد رفت و در صورتیکه ملل مسلمان هنوز خود را از تسلط و نفوذ دین خود نجات نداده اند (مقصود تسلط غیر عادلانه بنام دین است که در اصول و اساس اسلام وجود خارجی ندارد و از ممیزات این دین مقدس یکی هم همین امر است) پس دین اسلام در این موضوع چه فرقی با ادیان دیگر دارد.

د - حقیقت اینست که دین اسلام در راه اختناق علم و بازداشتن مردم از نهضت و کوشش و حرکت قدم برداشت و در تعطیل نمودن پیشرفتهای علمی و فلسفی و گمراه کردن و بازداشتن مردم از تحقیقات و کاوشهای علمی موفقیت پیدا کرد.
ه - قبول میکنیم که اسلام در ممالکی که فتح کرده و وارد شد چنانکه معروف هم هست بازور هم پیش رفت و این سرزمینها از آنوقت تا با امروز موفق برهسا شدن از آثار شوم آن نشده اند.

۱ - نکاتی که در اینجا به آنها اشاره میشود نکاتی است که مترجم مقاله عبری آقای دکتر حمیدالله حیدرآبادی استاد سابق دانشگاه پاریس و استاد فنی دانشگاه اسلامبول از متن نامه سید استخراج کرده و در صحت انتساب آنها به سید تردید کرده و چنانکه در این مقدمه تصریح میکند معتقد است که نسبت دادن آنها به سید افتراء و تهمت است و آنها مطالبی است که در موقع حک و اصلاح مقاله سید در اداره روزنامه ژورنال دیه دیبا بآن افزوده شده است و در هر جا که در متن مقاله سید علامت ستاره باشد اشاره بهمین تردید است

و - چرا دنیای عربی در پشت پرده‌های تاریک و ظلمانی است ؟ مسئولیت آن‌تها
بمهده اسلام است و بس

اینها مسائلی است که در مقاله سید دیده میشود و مسلماً از طرف ناشر روزنامه
بآن اضافه شده و جالب توجه اینکه بعد از انتشار این نامه بنام سید فردای همان روز
یعنی در ۱۹۶ اباره در همان روزنامه جواب رنان بر جواب جمال‌الدین چاپ شد (۱) که

۱ - استاد احمد امین (۱۸۷۸ - ۱۹۵۴ م) در کتاب خود **زعماء الإصلاح فی
العصر الحدیث** ص ۹۱ و ۹۲ ط مصر در ضمن ترجمه شرح حال فیلسوف شرق و اسلام
سید جمال‌الدین اسدآبادی مینویسد «رنان نیز جوایی باو نوشت و تبریف و تمجید زیادی
توأم با اعجاب از او کرده و گفت من باشیخ جمال‌الدین از دو ماه پیش آشنا شدم و در
خود حالتی احساس کردم که قبلاجز در برخورد با افراد قلبیلی آن حالت بمن دست نداده
بود .

سید درمن تاثیر زیادی کرد و بین ما مباحثه‌ای در گرفت که من بعد از آن تصمیم
گرفتم که موضوع کنفرانس من در سوربون «علاقه علم باسلام» باشد و خود شیخ
جمال‌الدین برای ادعای بزرگ ما که مدتها است آنرا اظهار کرده ایم (و ما میتوانیم
آنرا پیش کشیم) بهترین شاهد صدقیست که ارزش ادیان و مذاهب به اندازه ارزش
گروندگان آن از نژادهای مختلف است . من در وقت مباحثه با او از آزادی فکر و
فضل خود و صراحت لهجه او بفکرم رسید که یکی از دانشمندان بزرگ قدیمی رامی بینم
و با ابن سینا و ابن رشد روبرو هستم و با یکی از این ملحدین بزرگ که قرنها
است برای آزادی انسانیت از اسارت کوشش میکنند (چرندیاتی)

باید توجه داشت که رنان که سید جمال‌الدین را شاهد صدق خود می‌شمارد شاید
از این گفتار سید استفاده کرده است اگر بخواهیم آزادگان اروپا را بدین خود بخوانیم
لازم است که نخست با آنها بگوئیم که مسلمان نیستیم زیرا آنها وضع فعلی ما را در نتیجه
تربیت قرآن اینطور میدانند آری بدنال قرآن مللی را می بینند که در میان آنها جهل
و ذلت و بدبختی و... شیوع یافته و آنوقت است که میگویند اگر این کتاب واقعاً
مصلح اجتماع بود بیرون آن آنطور که ما می بینیم نبودند (روح‌الدین الاسلامی
تالیف عقیف عبدالفتاح طباطبایه چاپ بیروت - لبنان ص ۱۳) شاگرد و همفکر
و همکار معروف سید جمال‌الدین شیخ محمد عبده در کتاب خود سخنی دارد که
شاید از آن بتوان بعنوان جواب به رنان و بهر کسی که اعمال مسلمین را مدرك برای
شناخت اسلام و قرآن میدانند استفاده نمود .

در آن موافقت خود را با جمال‌الدین در بعضی از مسائل یعنی در این تعریفات که خود افزوده بودند متذکر شده بود.

و بنابراین آیا ما برای حصول یقین باینکه قسمت‌هایی از جواب سید جمال‌الدین ساختگی است و مترجم آن بفرانسه با تعریفات و قیعاغه ای بچاپ آن اقدام کرده است بدلیلی بیشتر و بهتر و روشن تر از این احتیاج داریم که در این موارد فرقی بین گفتارهای جمال‌الدین و آنچه که رنان و امثال او از دشمنان اسلام گفته‌اند وجود ندارد (۱)

پاریس دکتر محمد حمیدالله (حیدرآبادی)

محمد عبده میگوید بسیاری از آنچه که میبینند مردم بآن اسلام میگویند در واقع از اسلام نیست بلکه نگهداری از ظاهر و صورت نماز و روزه و حجاج است و از گفتارها جز مختصری همگی از معانی خود تحریف و وارونه شده‌اند و در نتیجه آنچه که از بدعتها و خرافات در اسلام عارض شده مردم مسلمان بجمود فملی که آنرا دین می‌شمارند رسیده‌اند بناه بر خدا از آنها و از آنچه که بر خدا و دین او بسته‌اند پس بطور کلی هر چیزی که بوسیله آن بر مسلمین عیب میگیرند از اسلام نیست بلکه وصله‌های ناجوری است که بملط اسم آنرا اسلام گذاشته‌اند (الاسلام والنصرانیة تالیف محمد عبده ط مصر ص ۱۵۰).

و بنابراین باید گفت که عمل خلاف هیچ فرد وابسته به یک تب یک عقیده و طرز فکر یک جمعیت و حزبی نمیتواند و نباید ملاک قضاوت درباره آن عقیده و مبدا و اصول آن قرار بگیرد (خسر و شاهی)

۱- مطلب قابل توجهی که هست این است که استاد حکیم شیخ محمد بختیت المحیطی مفتی سابق دبار مصر (۱۲۷۱ - ۱۳۵۴ هـ) و عالم بزرگی که در باره او مرحوم آیت‌الله شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء (۱۲۹۵ - ۱۳۷۳ هـ) در رساله محاوره الامام ص ۴۶ ط ۳ نجف مینویسد «من همانند او عالم و محقق در مصر ندیدم» در کتاب نفیس و بر ارزش خود تشبیه العقول الانسانیة لمافی آیات القرآن من العلوم الكونية و العمرانیة ص ۳ و ۴ ط مصر مینویسد «از سخنرانی و نطقی که اخیراً توسط استاد سید مصطفی عبدالرزاق که یکی از افاضل علماء شافعی دانشگاه الازهر است در دانشگاه مصر ایراد کرده و در شماره (۱۲۳) روزنامه السیاسة مورخه ۲۱ مارس سال ۱۹۳۳ میلادی چاپ شده مطلع شدند که در آن گفتارهایی از یکنفر اروپایی که او

بقیه باورقی در صفحه ۲۶

را رنان مینامند و حمله باسلام و مسلمین نموده نقل شده است .
 و به سید جمال‌الدین افغانی سخنانی در ردیه او بر گفته‌های رنان نسبت داده شده
 که من معتقدم که استاد سید جمال‌الدین رحمه‌الله از این سخنان مبرا است و چگونه
 نسبت آنها بسید صحیح باشد در حالیکه در ضمن آن مسائلی است که حمله رنان را بر ضد
 اسلام و مسلمین تصدیق و قبول کرده است .
 آبا استاد ما جمال‌الدین که به صاحب این دین چرخودش (مجموعه مص) منسوب است
 سزاوار است که منسوب باین دین نباشد ؟ در صورتیکه ما از روزیکه وی وارد مصر شد
 تا روزیکه از مصر خارج شد و رفت با او معاشرت داشتیم و بسیاری از علوم فلسفه
 و غیره را پیش او یاد گرفتیم و ما در عرض این مدت طولانی با این کثرت معاشرت
 و اجتماع و هم‌نشینی با او (رحمه‌الله) چیزی از او ندیدیم که حاکی از این باشد که
 او هم عقیده رنان است و با چیز دیگری بگوید که بوی طعن بر اسلام و مسلمین
 از آن استشمام شود .

بلکه آنچه که ما از او فهمیدیم و استاد شیخ محمد عبده از او دیده این است که
 سید جمال‌الدین فیلسوف حقیقی و پیرو واقعی و صادق دین اسلام بود و با تمام قوا و
 با تمام آنچه که از نیروی علم و حسن تفسیر و بیان و منطق محکم و راه روشن داشت
 مدافع این دین بود و چطور این چنین نباشد در حالیکه دین اسلام دین فطری برای
 بشریت است (چرخندابی)

سخنان علی (ع)

قدر الرجل علی قدر همته و صدقه علی قدر مروئته و شجاعته
 علی قدر انفته و عفته علی قدر غیرته
 اندازه (ارزش) مرد بر اندازه همتش ، و راستیش بر اندازه
 مردانگیش و دل‌وریش بر اندازه ننگ ناپذیریش و پا کدامنیش بر اندازه
 غیر تمندیش میباشد
 کن سمحا ولا تکن میذرا و کن مقذرا ولا تکن مقذرا
 بخشنده باش و ولخرج مباش و اندازه نگه‌دار و (مقتصد) باش و سختگیر
 (ممسک) مباش